

جنبش دانشجوئی ایران

و

وظایف اصلی آن

چریک فدایی خلق

رفیق مجید احمدزاده

اولین شهید دانشگاه صنعتی

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# تقدیم به :

” خاطرہ جاویدان دانشجوین شہید ”

ازہای تکنیک تهران	فدائی	یحییٰ سلمی
دانشگاه شیراز	فدائی	مہدی اسحاقی
—	فدائی ازگروه	ہمایون کتیرائی
دانشگاه تبریز	آرطان خلق	
دانشکدہ پزشکی	فدائی	مہر نوش ابراهیمی
دانشکدہ اقتصاد	فدائی	عبدالحسین براتی
دانشکدہ کشاوری کرج	فدائی	شاهرخ ہدایتی
دانشکدہ کشاوری کرج	فدائی	سیروس سپہری
دانشگاه صنعتی	فدائی	مجید احمدزادہ
دانشکدہ فنی تہران	فدائی	علی نقی آرش

دانشگاه حقوق	فدائی	عبدالکریم حاجیان
دانشگاه مشهد	فدائی	حمید نوکی
دانشگاه مشهد	فدائی	سعید آریان
_____	مجاهد	سعید صفار
دانشگاه فنی	مجاهد	محمد ایگهای
دانشگاه صنعتی	مجاهد	خلیل طباطبائی
دانشگاه اقتصاد	مجاهد	محمد رضا میرصادقی
دانشگاه تعلیم و صنعت	مجاهد	حسین عالم زاده
دانشگاه بازرگانی	مجاهد	مهدی رضائی
دانشسرای عالی	فدائی	اسداله بشر دوست
دانشگاه فنی	فدائی	ایران پدالهی
دانشگاه صنعتی	فدائی	بهروز عیدی
دانشگاه فنی	فدائی	فرخ سپهری
دانشگاه شیراز	دانشجوی انقلابی	شفیعیها
دانشگاه شیراز	دانشجوی انقلابی	حق شناس
دانشگاه شیراز	دانشجوی انقلابی	محمد رضا احدی

دانشکده دندانپزشکی	مجاهد	رضاشاهی
دانشکده فنی	مجاهد	ضیاء الحق
دانشکده اقتصاد	مجاهد	موشمند خا منهای
دانشکده فنی	فدائی	فرهاد سپهری
دانشکده علم و صنعت	دانشجوی انقلابی	حمید خلیلی
دانشکده علم و صنعت	فدائی	خسایار ستجری
دانشکده فنی	فدائی	منصور فرشیدی
دانشگاه صنعتی	انقلابی	میرجعفر شجاع‌ساز
دانشکده اقتصاد	فدائی	علی اکبر جعفری
دانشکده بازرگانی	مجاهد	مصطفی جوان خوشدل
دانشکده کشاورزی	مجاهد	کاظم زوالانوار

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## اطلاعیه

در ساعت ۶/۵۰ دقیقه باطداد روز دوشنبه  
۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۳ سروان پداله نوروزی فرمانده  
مفتوح گارد دانشگاه صنعتی توسط يك واحد از  
رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق اقدام کردید .  
رفتای واحد عملیاتی دانشگاهیکه مردود خائن  
با اتوبیل در حال خروج از خانه اش واقع در منطقه  
نارنگ تهران بود ، او را به رگبار مسلسل بسته و پس  
از شلیک تبر خلاص اتوبیلش را به آتش کشیدند . سپس  
رفقا اعلامیه های توضیحی را که برای پخش در صحنه  
عملیات تهیه شده بود ، پخش کردند و با شمارهای  
درود به دانشجویان مبارز دانشگاهیان شهید

"مرگ پسر شاه خائن" منطقه را ترک کردند و سلامت  
به پایگاه مراجعت نمودند.

این عطیات که مقارن با سالروز تیربارانهای  
رفقای ما در سال ۱۳۵۰ به مورد اجرا درآمد،  
"عطیات رفیق مجید احد زاده" نام گذاری شد.  
رفیق مجید احد زاده که در اسفند ۱۳۵۰ توسط  
دولت مزدور شاه تیرباران شد، اولین دانشجوی  
شهید دانشگاه صنعتی بود.

ط از مدت‌ها قبل تصمیم داشتیم که در جواب  
وحشیگریهای گارد دانشگاه نسبت به دانشجویان  
مبارز متقابلاً ضربه جاناتهای به این مزدوران وارد —  
آوریم و به این وسیله حمایت صلحانه و بیدریغ خود را  
از مبارزات دانشجویان میهن‌پسندان اعلام داریم. بدین  
جهت حکم اعدام این مزدور خنزیر غریب‌فکر را که یکی  
از خوش‌خدمت‌ترین و مشورت‌ترین ممبره‌های آن —  
دانشگاه بود، در دادگاه انقلابی خنجر حاد نمودیم



و در سحرگاه روز ۱۲ اسفند اجرا کردیم .

« سازمان چریکهای فدائی خلق »

www.KetabFarsi.com

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## دانشجویان مبارز !

در شرایطی که عطیات سلحشاه پشگان خلیق  
 رژیم فاشیستی شاه خائن را از سر بلراند، مورد حمله  
 قرار داد، و در شرایطی که جنبشهای موقتی  
 دانشجویی گرایشهای بسوی تودمائی کردن مبارزات  
 از خود نشان میدهند، سازمان ما و آینه خود میداند  
 که ارتباط متقابل علمی و نظری با جنبش دانشجویی  
 را گسترش داده و در راه پیشبرد اهداف انقلاب  
 رزمایی بهتر خیز ایران این پیوند را عمیقاً استحکام  
 بخشد .

اهدای انقلابی سران بداله نوری خائن فرمانده  
 گارد مردم دانشگاه صنعتی که بخاطر حمایت صلح  
 سازمان از جنبش دانشجویی صورت گرفت ناسی در راه  
 تحقق بخشیدن بدین امر محسوب میشود .

دانشجویان موقتی باید بدانند که در شرایطی

که دشمن بخاطر سرکوب جتیش دانشجویان دست بسته  
توطئه های جدیدی زده است و تأیقه سنگینی را بر سر  
دارند که انجام آن احتیاج به همیاری دائم انقلابی  
دارد .

دانشجویان مهین پرست باید بکوشند تا پرچم  
صرخ انقلاب را در محیط دانشگاهها برافراشته  
نگهدارند و نگذارند که دشمن با حيله و نیرنگ در  
میان صفوف آنان تفرقه اندازد . دانشجویان آگاه  
دانشگاههای ایران خود به این حقیقت گرانبهار رسیده  
اند ، بهترین گواه این امر شمار آنها است .  
" اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " . این شعار سالیان  
دراز است که توسط دانشجویان مبارز مهین ط مطرح  
شده و همیشه غرور پر شکوه آن در عرصه دانشگاههای  
مهین ط طنین افکن بوده است .  
" نابود باد توطئه های دولت  
ریکاتوری شاه ، خائن بر علیه جنبشهای دانشجویی  
میهنسازان "

## با مبارزات دانشجویان میهنان آشنا شویم

پس از کزدنای تثنن ۲۸ مرداد سال ۳۲ و

ایجاد سلطه ناشیستی برای حفظ و کسرتش منافس  
امپریالیسم در کشور با کلیه سازمانهای سیاسی و  
مید امپریالیستی میهن با مورد حمله قرار گرفتند  
از هم پاشیده شدند .

نیروهای مبارز دانشجویی که در آن زمان بنا به  
شرایط عهدتا وابسته به سازمانهای سیاسی موجود  
بودند و در جهت حفظ آرمانهای این سازمانهای  
سیاسی مخالف رژیم موضع گیری میکردند نیز از این  
ضربات ناشیستی گودتاگران نظامی در امان نماندند  
دانشگاه بعنوان یک مرکز تجمع عناصر آگاه و پیشرو  
جامعه میبایست چون در مستحکم در مقابل تجاوزات  
بیگانگان و نوکران د اخلیشان ایستادگی میکرد .

دانشجویان مبارز و آگاه بنا بر وظایف هیئتی خود  
اعتراضات وسیعی را بر علیه رژیم کودتا برپا داشتند  
بدیوریکه پس از گذشت چند ماه از کودتای ننگین ۲۸  
مرداد دانشگاه تهران که از همان ابتدای کودتا به  
مقابله برخاسته بود، با شکوه ترین تظاهرات خونین  
خود را بر علیه توطئه های ننگین امپریالیسم برپا کرد  
در این زمان بنا بود نیکسون معاون رئیس جمهور  
وقت آمریکا برای بازدید از "پروژه های حاصله و  
امتیازات کسب شده" به ایران بیاید. رژیم کودتا که  
بیش از هر وقت خود را آماده مقابله با هر حرکت  
مخالفی میدید به منظور حفظ حیثیت و عوقبت خود  
در پیشگاه ارباب تصمیم گرفت برای همیشه به تظاهرات  
دانشجویان خاتمه دهد و مراسم انتقال از ارباب  
را با خیالی آسوده برگزار نماید. بنابراین در روز ۱۶  
آذر نیروهای تیپ دوزخی را برای سرکشی ایستگاه  
تظاهرات به دانشگاه اعزام نمود. دانشجویان

مبارز قهرمانانه در مقابل نیروهای مهاجم پایدار گردید  
و مردوران به دستور شاه خائن آنان را بگلوله بختک  
و سه دانشجوی تهران بناهای شد چو - بزرگ نیا  
شریعت رضوی به شهادت رسیدند و صدها نفر زخمی  
و دستگیر شدند و بدین ترتیب تظاهرات پر شکوه  
و خونین دانشجویان سرکوب شد و عطل سیاه رژیم  
در دانشگاه مستقر شدند و از آن پس با خشونت و  
وحشیگری هر چه تظاهر حکومت نظامی را اعطال میکردند  
علیرغم این سرکوب و فشار وحشیانه رژیم در محیـط  
دانشگاه دانشجویان مبارز و دلیر در روز ۱۸ آذر  
همراه با ورود نیکسون جانی تظاهرات پر شکوهی  
در رابطه با سوم شهدا برپا کردند . این تظاهرات  
علا مبدل به اعتراض عمومی و برخوردهای شدید بسا  
پامس و نیروهای انتظامی گردید که در جریان آن صدها  
نفر زخمی و بازداشت شدند و پس از آن حکومت

نظای در دانشگاه با وحشیانه ترین شکل ممکن  
اعطال میشد و تا ریاست دکتر اقبال مردود ادامه  
داشت .

بطور کلی در سالهای پس از کودتا بعلت فقدان  
یک تشکیلات منضبط و مستحکم ، انرژی، نیروهای  
دانشجویی در جهت درست بکار گرفته نشد و در نتیجه  
مبارزات دانشجویی که میبایست بطور مداوم ، پیوسته  
عظمت خود را با سایر نیروهای خلق حفظ میکرد  
منفرد شده و زیر ضربات شدید دشمن بخاصوشی  
گرائید .

دکتر اقبال مردود ریاست خود را با یک تطایف  
"مکراتیک" آغاز کرد . بدستور او نیروهای نظامی  
پس از هفت سال دانشگاه را ترك کردند . این  
تطایفات قسمتی از برنامه وسیع امپریالیستها برای  
برقرار کردن اوضاع جدید اقتصادی - اجتماعی



در پهنهٔ میهن ط بحساب میآید . در این دوره سرعاً  
 داری وابسته که قصد بدست گرفتن گابل حاکمیت  
 سیاسی را داشت نیازمند جلب حمایت نیروهای مترقی  
 جامعه و یا حداقل بیطرفی نخبه داشتن ایشان در جریان  
 تحولات اجتماعی بود ، از این روی ایجاد شرایط  
 بالنسبه دیکراتیک ، و ایجاد امکان فعالیت نیروهای  
 ملی مخالف دولت در دستور کار رژیم قرار گرفت .  
 ایجاد فضای جدید سیاسی باعث بحرکت درآمدن  
 نیروهای دانشجوئی گردید . با بیرون رفتن نیروهای  
 نظامی از دانشگاه ، فعالیتهای سیاسی و جناح  
 بندی دانشجویان مخفیانه روم گسترش نهاد و روز  
 بروز ابعاد تازه تری پیدا کرد ، بطوریکه اولین اجتماع  
 بی طرفداری از جبههٔ ملی در مرداد سال ۳۹ در  
 اشیه میدان جلالیه برگزار شد ، این میتینگ که  
 با عنوان " میتینگ دانشجویان طرفدار جبههٔ ملی "

برگزار میشد مستقیماً توسط خود دانشجویان سازمان سازمان یافته و رتبه‌بندی میشد. این فعالیتهای سیاسی دانشجویان در سال تحصیلی ۴۰-۳۹ به اوج خود رسید بطوریکه منجر به تشکیل سازمان دانشجویان در این سال گردید، فعالیت عناصر چپ در این سازمان که به طرفداری از جبهه ملی فعالیت میکردند چشمگیر و بی‌سابقه بود بطوریکه سازمان در آن شرایط با فعالیتهای علنی عمومی خود توانسته بود تمام تیروهای مخفی کمونیستی را به حول محور خود متشکل کرده و به طرفداری از سیاست جبهه ملی بفعالیت وا دارد.

تنگامیکه در بهمن سال ۳۹ انتخابات مجلس بیستم تجدید شد سازمان دانشجویان تظاهرات پوشکوهی را در دانشگاه به طرز ناداری از سیاست جبهه ملی که خواهان آزادی انتخابات بود پراه انداخت و دانشجویان بعد از چند روز تظاهرات

در محیط دانشگاه از آنجا خارج شده و در خیابانها دست به تظاهرات وسیعی زدند که حدود دو هفته ادامه داشت، بازار بارها بخاطر حطیت از این تظاهرات حق طلبانه تعطیل شد، در این دوره از تظاهرات نیز صد ها نفر از دانشجویان قهرمان بازداشت شدند و دانشگاه تا ۱۴ فروردین سال بعد تعطیل گردید. همراه با باز شدن دانشگاه معلمین زحمت کش، ایسران در اردیبهشت سال ۱۳۰۴ که در باشگاه مهرگان تمرکز شده بودند دست بااعتصاب زدند، خواست اعتصاب افزایش اشل حقوق معلمین و متناسب شدن آن با هزینه زندگی بود، این تظاهرات در ۱۲ اردیبهشت در مقابل مجلس منجر به زد و خورد با پلیس گردید و دکتر خاتمی یکی از دبیران شریف تهران با گولسه سرگرد شهرستانی مورد بیهوشی رسید. کشته شدن دکتر خاتمی احساسات مردم و در درجه اول

دانشجویان و محصلین را بر علیه رژیم مزدور برانگیخت  
و تظاهرات وسیع و پر شکوهی از طرف مصلحین،  
دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر اقشار مردم در -  
مقابل مجلس شورا و خیابانهای مرکزی شهر برگزار  
شد که روزها ادامه داشت. این اعتصابات نقش موثری  
در رشد و ارتقاء جنبش دانشجویی ایفا کرد. دانشجویان  
- بیان مبارز دانشگاهها در این روزها با پیوستن  
به صفوف مصلحین اعتصابی حیطیت فعال خود را از مبارزه  
مصلحین کشور عملاً اعلام داشته و به این ترتیب گامی  
تازه در جهت هماهنگی با سایر نیروهای مبارز خلق  
برداشتند. در این دوره دانشجویان که اساساً در -  
سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی متشکل شده  
بودند در چند عطیبات دستجمعی خلقی شرکت کردند  
که تأثیرات بسیار زیادی در ایجاد ارتباط میان  
روشنفکران و توده های مستطیده خلق داشت.

در یکی از این عطیات خلقی سازمان دانشجویان  
 در جریان سیل شدیدی که مناطق جنوبی تهران را  
 فرا گرفته بود سرعت باران اقدام شد. تعداد زیادی  
 از دانشجویان دختر و پسر و دانش آموزان در دسته  
 - های چند نفری به منطقه جوادیه رفته و بخرن خود  
 و با دست خود شروع به نصب چند دستگاه پل فلزی  
 روی تهر فیروز آباد کردند، تهری که در جریان سیل  
 ارتباط قسمتی از اتالی جوادیه را با شهر قطع کرده  
 بود، این عمل بزودی بدین حرکت عموم خلقت تبدیل  
 شد. مردم محلات جنوبی از دانشجویان استقبال  
 کردند و با آنها در ساختن پلها وارد همکاری شدند  
 بازاریان و نیروهای طی این عمل سازمان دانشجویان  
 را بشدت تأیید کرده و با ارسال مواد غذایی بسرای  
 "دانشجویان کارگر" قسمتی از بار ساختن پلها رابه  
 دوش گرفتند، در روزهایی که این عطیات ادامه

داشت شکوه کار دسته جمعی که با شرکت مردم صورت  
میگرفت فضای دلدیری در محیطاً پراز لجن و گل ولای  
جوادیه ایجاد کرده بود .

پلهای فلزی این بناهای یاد بود کار دسته جمعی  
دانشجویان ، بازاریان و مردم زحمتکش محلات جنوبی  
چون خاری در چشم رژیم شاه فرو میرفت بطوریکه خیلی  
زود رژیم که سرگزبفکر امانی محلات جنوبی شهر نبود  
با خرج مبالغ گزاف به منظور از بین بردن آثار این پلهای  
نهر فیروزآباد را سرپوشیده برد و خیابانی بر روی این  
نهر احداث کرد که امروزه به خیابان نهر فیروزآباد  
مشهور است ولی خاطره پلهای فلزی که توسط دانشجویان  
- یان مبارز بمنظور مدردی با مردم محروم جوادیه  
ایجاد شده بود سرگز از یاد مردم این منطقه نخواهد  
رفت . عطیات خلقی دیگری که توسط سازمان دانشجویان  
- یان صورت گرفت عطیات کمک به زلزله زدگان منطقه

بوئین زهرا در حوالی قزوین بود . در این عطیسات  
 دانشجویان در دسته های چند نفره همراه با مقام یسر  
 زیادی آذوقه و پوشاک و دارو به منطقه زلزله زد رفتند  
 کمکهای نقدی ، غذا و پوشاک عمدتاً توسط مردم کوچسه  
 و بازار تأمین میشد . در آن روزها تختی ، قبرستان ملی  
 با در خیابانهای مرکزی شهر بجمع آوری کمکهای مردم  
 می پرداخت و مردم با استقبال شدید از فعالیت  
 نیروهای ملی در جهت کمک به زلزله زدگان کمکهای  
 خود را به او میدادند . از محل همین نوع کمک -  
 ها بود که دسته های پرانجوشی با وسائل لازم به  
 منطقه قزوین اعزام میشدند . دانشجویان با فداکاری  
 و بردباری به بیرون کشیدن اجساد از زیر آوار کمک  
 به مدد همین می پرداختند . در بعضی نقاط اقدام  
 به احداث اماکنی برای زلزله زدگان کردند که البته  
 این عملیات با کارشکنی مأموران شیرخورشید که قصد

تاراج کتکهای مردم به زلزله زدگان را داشتند مواجهه  
میشد ولی بهر حال دانشجویان به وظیفه میهنی خود  
بخوبی عمل کردند و تأثیرات مثبتی در منطقه قزوین  
از خود بجای گذاشتند .

دانشجویان مبارز نه تنها با حمایت از خلق تحت  
ستم میهن ما خیمت زد امپریالیستی جنبش خود را  
بارها ابراز داشتند بلکه با تظاهرات وسیع و گسترده‌ای  
که در ۱۴ آبان سال ۴۰ به طردی با انقلاب الجزایر  
براه انداختند حمایت زد امپریالیستی خود را بگوش  
جهانیان رسانیدند و خشم و نفرت عظیم خود را از فجایع  
و جنایات امپریالیستها که در حق خلقهای تحت ستم  
در سراسر جهان میکنند ابراز داشتند . در ۱۶ آذر -  
سال ۴۰ دانشجویان تظاهراتی پر شکوه و خروش  
بخاطر بزرگداشت ۱۶ آذر سال ۳۲ برگزار کردند  
که همه‌ی علی نیز حمایت خود را از این جنبش ابراز نمود



و دوشادوش سازمان دانشجویان به نظام‌ها و ...  
 اعتصابات پیوسته فعالیت سازمان دانشجویی در این  
 مرحله از رشد خود یک جهت‌ناعد سیاسی یافته بود.  
 بطوریکه در این دوره نشریه پیام دانشجوی با تیراژ  
 زیادی منتشر میشد و نشر فعال و عبتی در گسترش  
 هرچه بیشتر مبارزه و تجمع هرچه بیشتر دانشجویان  
 مبارز داشت.

این نشریه که ارگان رسمی سازمان دانشجویان  
 محسوب میشد از یک کیفیت ناعد سیاسی برخوردار بود  
 و نشاندهنده جهت‌یابی جنبشهای شرقی دانشجویان  
 بحیطیت از مبارزات ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری  
 بود.

در سال ۱۳۴۰ مبارزات سیاسی در دانشگاه  
 به اوج خود رسیده بود و گروه‌ها و دستجات سیاسی  
 مختلف در دانشگاه فعالیت میکردند در این سال نیرو

های سیاسی محافظه کار و دست راستی در صفوف  
 مبارزین رخنه کرده و تحریکاتی را بر علیه نیروهای  
 مرفقی در امن میزدند. این تحریکات در <sup>نقطه</sup> اوج خود  
 حوادث اول بهمن ماه ۱۳۴۰ را بوجود آورد. در این  
 سال دست راستیهای جنبه که باندی تشکیل داده  
 (دکتر خونجی و شرکاء) و قصد بدست گرفتن رهبری  
 مبارزات را داشتند و تیز میخواستند که موقتیت نیرو-  
 های مرفقی را تضعیف نمایند دست به طعن و جراحی-  
 یانهای زدند بدین ترتیب که بدین اطلاع سازمان  
 دانشجویان برای اول بهمن در دانشگاه و مدارس  
 اعلام اعتصاب کردند و با پخش برخی اطلاعات نارست  
 هیجان عمومی را در دانشگاه در امن زدند و بدین  
 ترتیب تظاهرات غیر لازمی را برآوردند. در این  
 روز دانشجویان مبارز که انگیزهای جز دفاع از منافع  
 خلق خود نداشتند با پلیس درگیر شدند و نیروهای

پلیس‌ها گاز اشک آور به دانشجویان معترض حمله کردند و  
 زد و خورد در ضلع جنوبی دانشگاه تهران اوج گرفت  
 در ساعت ۱۱ صبح تظاهرات رو به خاموشی گذاشت  
 ولی برخی عوامل مشکوک به پلیس اطلاع دادند که  
 دانشجویان قصد پائین کشیدن مجسمه شاه را دارند  
 این عمل بخاطر تحریک دشمن به حمله وسیع به دانشجویان  
 - یان صورت گرفت و هدفی جز ادامه این تظاهرات  
 غیر لازم را تعقیب نمی‌کرد و بدین ترتیب دانشجویان  
 در حالیکه با چش‌های سرخ شده از گاز اشک آور در -  
 صعوطه مرکزی و شمال دانشگاه جمع شده بودند از چند  
 طرف مورد هجوم نیروهای چتر باز و پلیس مورد قرار  
 گرفتند . مهاجمان دانشجویان را تا انتهای کوچه و رها  
 و تا آخرین طبقات ساختمانها تعقیب کردند و صد ها  
 تن از دانشجویان دختر و پسر را شدیداً ضروب و مجروح  
 نمودند . کلاسها و آزمایشگاهها از حملات مزدوران -

در ضمن مصروفیت نماندند و خسارات زیادی دیدند حتی  
 عدلهای از استادان و دانشیاران مورد بی احترامی  
 قرار گرفته و مضروب شدند. بدنبال این حمله سراسری  
 بدانشگاه دستگیریهای وسیعی آغاز شد و عده زیادی  
 از مبارزین مرفقی بازداشت شدند، تظاهرات بهمن  
 که دیگر اوج گرفته بود در سوم بهمن متجر به زد و خورد  
 و آتش آموزان با پلیس گردید و در جریان این برخورد  
 مهدی کلهر دانش آموز رسنه علمیه بشهادت رسید  
 تحقیقات بعدی نشان داد که در این ماجرا جناح  
 دست راستی جبهه با نیروهای پلیس بخاطر نابسودی  
 نیروهای مرفقی همکاری نزدیک داشته است. پس از  
 این حوادث سازمان دانشجویان به همراه سایر نیروهای  
 مرفقی جبهه ملی در قبال جناح محافظه کار جبهه موضع  
 گرفته و به مبارزه با این جناح پرداختند. بدین ترتیب  
 تظاهرات غیر لازم اول بهمن موجب وارد آمدن ضرباتی

به پیکر سازمان دانشجویان مرفعی جنبه ملی گردید  
 و دانشگاه بسته شد . پس از باز شدن دانشگاه  
 تظاهرات وسیعی به منظور آزاد کردن زندانیان سیاسی  
 که در اول بهمن دستگیر شده بودند صورت گرفت .  
 در این سالها شعارهای کاملاً سیاسی در دانشگاه  
 — بنا مطرح میشد و صریحاً نام شاه خائن در شعار—  
 های تظاهراتکنندگان بگوشه میرسید و مبارزه برعلیه  
 نظام حاکم بصورت آشکار در سطح دانشگاه — بهامطرح  
 میشد .

نقش جنبش مقابله جوانان دانشجویی  
 در مقابل انقلاب سفید و حمایت از شورش  
 ضد دیکتاتوری خلق در سال ۴۲ :

چند سال قبل از سال ۴۱ ، امپریالیسم جهانی و  
 نماینده آن اخلیش بورژوازی کمپرادور که بتایای سیستم  
 پوسیده فئودالی را مانع رشد و پیشرفت منافع خود

در ایران دیدیدند تصمیم به تصویب روابط تولیدی  
 در سطح جامعه ایران گرفته بودند، این طرح بتدریج  
 کامل شد و قبل از اعلام اصلاحات ارضی، شاه  
 و درباریان تمام زمینهای خود را بیول نقد تبدیل کرده  
 و از ایران خارج نمودند و در شرایطی که دیگر طرح  
 اصلاحات ارضی زیانی متوجه عناصر اصلی طبقه حاکمه  
 نمیکرد یعنی در سال ۱۹۶۱ بدنبال یک سری مقدمه  
 چینیها طرح اصلاحات ارضی از طرف شاه خائن اعلام  
 گردید و به رفتار معمومی گذاشته شد. طبیعتاً بود  
 که ظالم این طرح هیچگونه مخالفتی را نمیتوانست  
 برانگیزاند و بسیاری از نیروهای سیاسی دچار بهت و  
 زدگی شده بودند زیرا مشاهده میکردند شعاری را که  
 مدتها عنوان میکردند از طرف رژیم مطرح شده است  
 در حالیکه این یک تفسیر نظام اجتماعی بود امپریالیزم  
 جهانی بود و نیروهای سرطانی داری ملی را به حاکمیت